

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال چهاردهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۹
صفحه ۹۳ تا ۱۱۲

سیاست و راهبردهای بهینه در پیشگیری از بحران‌های اجتماعی (مطالعه موردی: شهر تهران)

محمد رئیسی / دانشجوی دکتری تخصصی، گروه سیاستگذاری عمومی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. raeisimohamad66@gmail.com
حمید پیشگاه هادیان / استادیار روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران ham.pishguahadian@gmail.com
مهدی جاودانی مقدم / استادیار، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران javdani2020@gmail.com

چکیده

بحران‌های اجتماعی عمدتاً تابعی از شرایط داخلی است که همواره تأثیرات مهمی بر امنیت داشته و دارند. از این رو، سیاستگذاران امنیتی همواره در جستجوی ابزاری هستند که توسط آن‌ها بتوان از وقوع بحران‌ها پیشگیری کرد. پژوهش حاضر به منظور بحث از علل بروز بحران‌های اجتماعی و راهبردهای بهینه پیشگیری از آن در شهر تهران انجام شده که از نظر هدف تحقیقی کاربردی، از نظر ماهیت داده‌ها به دو روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی انجام شده است. برای مشخص کردن سیاست و راهبردهای بهینه به خبرگان که با شیوه نمونه‌گیری زنجیره‌ای انتخاب شدند، پرسشنامه باز توزیع شد. سپس با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، تجزیه و تحلیل و گزاره‌ها استخراج شد و مبنای طراحی پرسشنامه کمی قرار گرفت. به منظور بررسی روایی گزاره‌های کیفی، از اعتبار صوری و برای سنجش پایایی، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که راهبردهایی اعم از ایجاد اشتغال کامل، پایبندی به حقوق شهروندی، ارتقاء احساس تعلق جمعی و... بیشترین تأثیرگذاری و اهمیت را در پیشگیری از بحران‌های اجتماعی دارند. می‌توان گفت اگرچه بحران‌ها با ظهور عینی‌شان اهمیت دوچندانی یافته و ضرورت مدیریت‌شان به شدت متحول می‌شود، اما قبل از ظهور عینی آنها، دوره تکوین است که راه را برای طراحی و اجرای مدیریت‌های پیشگیرانه هموار می‌سازد.

کلیدواژه: بحران‌های اجتماعی، پیشگیری، تهدید، راهبردهای بهینه، سیاست.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۹/۰۲

۱. مقدمه

امنیت از مباحث محوری در حوزه علم سیاست و سیاست‌گذاری در هر نظام سیاسی است که همواره از ابعاد مختلفی تهدید می‌شود. (Engerer, 2009: 7) چنان‌که بحران‌ها و شورش‌ها موجبات تضعیف حکومت را فراهم نموده، باعث به خطر افتادن حاکمیت، منافع ملی و امنیتی دولت‌ها می‌شود. (Batdorf, 2005: 105) از این رو دولت‌ها این اقدامات (ناآرامی‌ها) را تهدید علیه نظم و امنیت عمومی تلقی می‌کنند، تحت عنوان حفظ منافع و مصالح عمومی کشور اقدام به مقابله با آن می‌نمایند. (Lloyd, 2005: 25) در این وضعیت سیاست‌های سلبی امنیت ناظر بر تهدیدات امنیتی، با فوریت بیشتری نظر سیاست‌گذاران امنیتی را به خود جلب می‌کند. (صالح‌نیا و بختیاری، ۱۳۹۷: ۲۵۶)

چنان‌که به یمن پیشرفت‌های مطلوبی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدیریت امنیتی پدید آمده، مدیران امنیتی توانسته‌اند از سد بحران‌های مختلف بگذرند، اما باید توجه داشت که تأمین امنیت تنها از طریق مدیریت انتظامی امکان‌پذیر نمی‌باشد. چرا که این اقدامات را می‌توان در راستای بازگردان نظم و امنیت اجتماعی، اعاده حقوق اجتماعی شهروندان مطلوب زندگی شهری، دفع تهدیدات علیه امنیت، ارزش‌ها، باورها و اقدامات مردم، اعاده مجدد امنیت روانی جامعه دانست که تنها بخشی از فراگرد مدیریت بحران‌های اجتماعی است و معطوف به مقطع زمانی خاصی است که در آن اقدامات پیشگیرانه بی‌نتیجه مانده و غیر مؤثر واقع شده باشد (وهابی، ۱۳۹۵، ۶۱).

بنابراین مدیریت پیش‌رویدادی در قالب سیاست ایجابی از امنیت معنا می‌یابد که با تأکید بر ضرورت اتخاذ سازوکارهای مناسب و لزوم بسترسازی برای توسعه امنیت، بر این باور است، تهدید هنگامی عملیاتی می‌شود که جامعه و ساختارهای حاکمیتی زیرساخت‌های لازم را برای پاسداری از منافع و ارزش‌های حیاتی‌اش ایجاد نکرده باشد (دل‌اورپور، ۱۳۸۹: ۳۰). بدین ترتیب عوامل متعددی در تأمین امنیت تأثیرگذار است و تمامی لایه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، و ... در تولید امنیت و ناامنی دارای کارکرد خاص خود هستند (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۲۱۲) و نمی‌توان یک شخص یا نهاد خاص اجتماعی - سیاسی را تأمین‌کننده امنیت دانست. پس چنانچه نهاد امنیت‌ساز بطور زیربنایی در صدد تقویت و توسعه امنیت داخل است، می‌بایست به نحو کارآمد در کلیه شاخص‌های ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی فعال شود و موانع و نواقص تأمین انتظارات به حق جامعه را

مرتفع و از انتقال آن به ابعاد سیاسی و امنیتی جلوگیری نماید. (زمانی، ۱۳۹۲: ۸۷) لذا لازمه پیشگیری از بحران‌های اجتماعی، ضمن اندیشیدن به این واقعیت که بحران چگونه به وجود می‌آید، پاسخ به این سوال است که راهبردهای بهینه برای پیشگیری از بحران‌های اجتماعی چیست؟

۲- پیشینه پژوهش

پس از جنگ تحمیلی، ساختارهای اقتصادی و سیاسی ایران شاهد تحولات شگرفی شد و سیاست‌های امنیتی ایران بنابر اقتضا و فضای عمومی جامعه، ترسیم و تدوین گردید. در این وضعیت، جامعه در یک حالت آنومی گذار قرار گرفت و در نتیجه بحران، به عنوان ذات و ویژگی چنین جامعه‌ای بیشتر نمود یافت. اگرچه با بروز بحران‌های اجتماعی دهه ۷۰ تا کنون مشخص تحقیقاتی به صورت تجربی و یا درون بخشی به رشته تحریر درآمده است اما بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد که در زمینه پژوهش حاضر مطالعه جدی و خاص با عنوان مزبور انجام نشده است.

- کریمی خوزانی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «ارائه الگوی مطلوب اخلاق مداری پلیس در مواجهه با بحران‌های اجتماعی (ازدحامات، اغتشاشات و اعتراضات خیابانی)» در پی ارائه چارچوبی هستند که اخلاق مداری پلیس در مواجهه با بحران‌های اجتماعی همچون ازدحامات و اغتشاشات به نحوی با روش‌های قهرآمیز پیوند بخورد تا عملکرد پلیس، علیرغم استفاده از روش‌های قهری، در موضع انطباق با معیارهای اخلاقی نظیر تخصص‌گرایی، مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای، اعتمادسازی، مصلحت‌اندیشی و ... قابل دفاع شود.

- عظیمیان (۱۳۹۳) در مقاله «راهبردهای مناسب برای مدیریت بحران ناشی از تهدیدات اجتماعی» با روش پژوهش آمیخته و با رویکرد کمی و کیفی از طریق پرسشنامه اقدام به جمع‌آوری اطلاعات نموده است و با استفاده از تکنیک SWOT راهبردهایی نظیر: استفاده از مدیران لایق، با تجربه، ولایت‌مدار و با تفکر و روحیه بسیجی در مدیریت بحران کشور؛ افزایش هماهنگی و انسجام بین مسئولان و کارگزاران با تبعیت کامل آنها از مقام معظم رهبری؛ آموزش و تربیت مدیران بحران کشور با بهره‌برداری از منابع غنی فکری و تجربه ناشی انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد.

- سلیمی (۱۳۹۳) در مقاله «شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت بحران‌های اجتماعی و ارائه الگوی کاربردی انتظامی» به دنبال ارائه الگویی به منظور مدیریت و مهار ناآرامی‌های

اجتماعی است. در این تحقیق با روشی تلفیقی از بین چهار سطح اصلی مدیریت بحران، دو حوزه پیش بینی و پیشگیری به عنوان مهمترین مؤلفه‌ها و در این دو مؤلفه، شاخص‌هایی از قبیل؛ کانون‌های جرم خیز، میزان خسارات احتمالی وارده به سیستم و سازمان، عوامل تهدید کننده نظام و نظم و امنیت و محل آسایش فردی نیز به عنوان عوامل حائز اهمیت تشخیص داده شده‌اند.

- ابطحی و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی مدل پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی به منظور پیشگیری از آنها توسط ناجا» معتقدند بحران‌ها از هر نوعی می‌توانند زمینه‌ساز سایر بحران‌ها نیز باشند، لذا همین امر لزوم اتخاذ رویکردی فعالانه، مبتنی بر پیش‌نگری در این خصوص توسط پلیس که متولی اصلی برخورد با این گونه از بحران‌ها می‌باشد را بیش از پیش می‌کند. با توجه به نتایج به دست آمده، بیشترین امنیت و آرامش اجتماعی زمانی برقرار می‌شود که حل مسئله مبتنی بر گفت‌وگو باشد، همچنین از مجموع عوامل ارتقاء دهنده امنیت اجتماعی، افزایش سطح رفاه جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است.

پژوهش‌های یاد شده عمدتاً به صورت پس‌رویدادی و به شکل فعال و بازدارنده در صددند محیط امنیت اجتماعی را تا حد ممکن امن نگه دارند و توجه خود را به پیشگیری در معنای ایجابی آن کمتر معطوف داشته که نه تنها کیفیت زندگی اجتماعی را ارتقاء می‌دهد بلکه از تولید ناامنی هم جلوگیری می‌نماید.

۳ - مبانی نظری

۳ - ۱ - بحران

بحران در لغت به معنی ایجاد بی‌نظمی و اختلال در زندگی است که باعث به هم خوردن توازن و تناسب بین نیازها و منابع می‌گردد (تابلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۰). در اصطلاح به وضعیتی اطلاق می‌شود که با تهدید شدید، عدم قطعیت و احساس فوریت همراه است و طیف وسیعی از پدیده‌ها مانند فجایع طبیعی و فناوری، ستیزها، آشوبها و... می‌تواند در این تعریف جای بگیرد. (مرادی و خلج‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۴۷) بنابراین بحران وضعیتی است که در آن، واحد تصمیم‌گیرنده نسبت به ارزش‌های حیاتی خود احساس تهدید جدی می‌کند. بروز تهدید با نوعی غافلگیری همراه است و زمان لازم برای تصمیم‌گیری و نشان دادن واکنش حدود است و پاسخگویی به تهدید، مستلزم به کارگیری انرژی و سرمایه بیشتر از میزان

مشابه آن در وضعیت عادی است (حسینی و جدی، ۱۳۸۵: ۱) بارنت (Burnett). بحران را در پیوستاری می‌داند که از حادثه آغاز شده و با واقعه ادامه می‌یابد، به وسیله تعارض دنبال می‌شود و با بحران خاتمه می‌یابد. شرایطی خارج از وضعیت عادی که الگوهای مدیریتی متداول در هنگام بروز آن کارساز نیست (Burnett, 1998: 476).

۳-۲ - بحران‌های اجتماعی

یک بحران اجتماعی زمانی حادث می‌شود که اختلالاتی در جامعه پدید آید که تعادل عمومی، عملکرد بهنجار و معمول حیات اجتماعی را به مخاطره افکند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۹-۲۸). در این وضعیت به جهت عدم انطباق ساخت‌ها و نهادهای یک جامعه با انتظارات موجود در مسیر پیشروی جامعه جدید و مترقی، موجب نابسامانی عمومی و فراگیر در جامعه گشته و پیدایش دگرگونی‌های اجتماعی بسیاری را قابل پیش‌بینی می‌سازد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳).

هرگاه بحران‌های اجتماعی به مرحله‌ای از اهمیت و حساسیت برسند که مورد توجه افکار عمومی و سیاست‌مداران قرار بگیرند تغییر ماهیت داده و به یک بحران سیاسی تبدیل می‌گردند. در این شرایط، راه حل‌های اداری و بورکراتیک جای خود را به راه‌حل‌های سیاسی می‌دهد و با ورود بازیگران تاثیرگذاری چون رسانه‌های جمعی و گروه‌های مختلف اجتماعی، نظام سیاسی با تهدیدات وجودی مهمی نظیر، بی‌ثباتی، برهم خوردن انسجام اجتماعی و تهدید جدی ارزش‌های اساسی روبرو شده، مشروعیت یا اقتدار دولت مورد تردید جدی قرار می‌گیرد. وجه مشخصه امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و یا استفاده از ابزارهای خشونت‌زا از سوی بازیگران صحنه بحران، درگیری زاید افکار عمومی و رسانه‌ها، ایجاد جو روانی هیجان، تنش و استرس در جامعه و... می‌باشد. با چسپاندن وصف امنیتی به بحران‌های اجتماعی و سیاسی ضرورت و حق برخورد با بحران با توسل به شیوه‌های خارج از عرف معمول سیاسی، مطرح می‌شود. در این وضعیت، بازیگران امنیتی‌کننده می‌توانند اجازه یابند تا قواعد معمول را زیر پا گذارده و ادعا نمایند که با شیوه معمول نمی‌توانند با تهدیدات مقابله نمایند. به عبارت دیگر، بحران امنیتی مرحله‌ای از حاد شدن اوضاع را نشان می‌دهد که در آن مداخله نهادها و سازمان‌های امنیتی به امری پذیرفته شده تبدیل می‌گردد (امیری، ۱۳۹۱: ۲۲۳-۲۲۲).

به طور کلی بحران‌ها از جمله موضوعات چندوجهی و قابل توجهی است که صاحب‌نظران گوناگونی از زوایای مختلف به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند.

تد رابرت گرا^۱ در نظریه محرومیت نسبی معتقد است بحران زمانی شکل می‌گیرد که نارضایتی عمومی در جامعه به صورت گسترده ایجاد شده و مردم نظام سیاسی حاکم را مسئول پیدایش آن بدانند (النقی پور و بهرامی، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۶). چارلز تیلی^۲ در تئوری بسیج منابع معتقد است که نارضایتی‌ها عنصر اصلی و تعیین کننده بحران‌ها نیستند، بلکه این منابع سیاسی و ساختار فرصت‌ها در درون یک کشور هستند که دامنه و شدت تضاد سیاسی خشونت‌بار را تعیین می‌کنند (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۲-۸۶).

کارل مارکس^۳ نیز منشأ تحولات اجتماعی را وجود تضاد طبقاتی در جامعه می‌داند لذا در سؤال به اینکه چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، معتقد به مبنای تضاد طبقاتی و شکاف اقتصادی در جوامع است. دانکوارت ای. رستو^۴ معتقد است در جوامع در حال گذار مردم خواهان توسعه هستند، اما سیستم ظرفیت پذیرش مشارکت ندارد و نمی‌تواند مردم را مشارکت بدهد و احساس تعلق به حاکمیت در مردم حداقل است. این تحولات در جوامع اجتناب‌ناپذیر می‌داند (شعبانی، ۱۳۸۵: ۲۹-۲۸) به نظر ساموئل هانتینگتون^۵ در اثر نوسازی سریع اقتصادی و اجتماعی، آگاهی‌های سیاسی به سرعت گسترش می‌یابد و به تقاضای وسیع مشارکت سیاسی منجر می‌شود، اما چون نهادهای سیاسی لازم برای پاسخگویی به این تقاضا وجود ندارد، ناپایداری سیاسی به وجود می‌آید (سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

بر اساس نظریه درگیری‌های داخلی بحران‌ها را می‌توان براساس دو مقوله تقسیم‌بندی کرد: اینکه آیا عامل به وجود آورنده آنها خواص بوده‌اند یا توده؟ اینکه آیا عامل به وجود آورنده آنها تحولات داخلی بوده یا خارجی؟ بنابراین درگیری‌های داخلی به چهارگونه عمده تقسیم می‌شوند. نوع نخست درگیری بر اثر بروز پدیده‌هایی مانند نوسازی و رشد سریع اقتصادی یا الگوهای تبعیض سیاسی و اقتصادی در داخل کشور و در سطح توده‌ها ایجاد

^۱ - Ted Robert Gurr

^۲ - Charles Tilly

^۳ - Karl Marx

^۴ - Dankwart A. Rustow

^۵ - Samuel P. Huntington

شود. دومین دسته درگیری‌ها نیز از توده‌ها برمی‌خیزد، با ریشه خارجی است. سومین دسته خارجی و خاستگاه آنها نخبگان جامعه‌اند، که این کار را با اهداف سیاسی، اقتصادی و یا ایدئولوژیک خود انجام می‌دهند. چهارمین دسته از نخبگان داخل کشور نشأت گرفته و عللی چون جنگ قدرت میان حاکمان (اعم از نظامی به غیرنظامی)، اختلاف ایدئولوژیک در مورد نحوه سروسامان دادن به امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی کشور و ... دارد (براون، ۱۳۸۰: ۲۵).

به طور کلی علل بحران‌ها در دو موضوع عمده خلاصه می‌شود: موضوع اول، داخلی و بسترها اجتماعی بروز بحران در قالب زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی به صورت بالفعل و بالقوه وجود دارد. موضوع دوم که خارجی است، دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که خواستگاه آنان تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی است، زمینه‌ساز بروز بحران‌ها می‌باشند (آریاپور، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

۳-۳- پیشگیری از بحران‌های اجتماعی

پیشگیری یک مفهوم کلی است و به معنای جلوگیری کردن، مانع شدن، مانع سرایت شدن، جلوگیری از وقوع مخاطرات یا کاهش آثار زیان‌بار بحران اطلاق می‌شود. بنابراین بهترین راهبرد در مدیریت بحران آن است که مسائل بالقوه یا در حال پیدایش را به موقع شناسایی کرد تا بتوان از مواجه شدن با آینده جلوگیری نمود. (نکویی و سهرابی، ۱۳۸۶: ۵۱) چراکه مسئله‌ای شناخته نشود، حل نمی‌شود و اگر حل نشود ممکن است به بحران تبدیل شود. (رضوی‌نژاد و ملک‌محمدی، ۱۳۹۷: ۲۸۷)

بنابراین سطحی از امنیت به صورت پیشگیری تأمین می‌شود. یعنی قبل از بروز ناامنی، نظام اجتماعی و سیاسی، وارد شده و از ایجاد مؤلفه‌های ناامنی ممانعت می‌کنند. (پورسعید، ۱۳۹۲: ۲) البته کاربرد هر کدام از سیاست‌ها و رویکردهای امنیتی، درک و تجربیات متفاوتی در شناخت واقعیات امنیتی ایجاد می‌کند و منجر به کاربردهای امنیتی و روش‌های مختلف در امنیت می‌شود. موضوع با اهمیت تأمین کننده امنیت و شیوه‌ها و ابزارهای تأمین امنیت است که با چه شیوه‌ها و چه ابزاری امنیت را تأمین می‌کنند؟ بر این اساس پیشگیری دارای دو جنبه سلبی و ایجابی است.

۳-۱-۳ - پیشگیری سلبی

پیشگیری از وقوع جرم و اعمال مکانیزم‌های بازدارنده، نمونه‌هایی از این نوع تأمین امنیت است که عمدتاً دستگاه‌های انتظامی، اطلاعاتی و قضایی مسئول کنترل ناامنی‌ها و تأمین امنیت هستند. در واقع پیشگیری در این رویکرد با تهدید قانونی و انضباطی تابعان حقوقی یک مجموعه و به اجرا گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت و محدودیت‌های قانونی را نقض کرده‌اند. (پورسعید، ۱۳۹۲: ۳-۲) در واقع انضباط اجتماعی ارتباط مستقیم با نظم اجتماعی دارد و هم به معنای مثبت آن شامل نظم، تربیت، تصحیح و تشویق و هم با بعد منفی آن شامل مچ‌گیری و تنبیه به کار رفته است. در مکتوباتی که به صوت پراکنده در منابع لاتین وجود دارد اکثراً آن را عامل بازدارنده پنداشته و در قالب مقررات، قواعد و قوانین تنبیهی مدون نموده‌اند. (کریمی، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۰)

- پیشگیری کیفری

با تکیه بر اثرهای کیفر و اعمال مجازات، با اجرای اصولی، سریع و حتمی کیفر، بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند تا از ارتکاب جرایم پیشگیری کنند. پیشگیری کیفری به دو شاخه زیر تقسیم می‌شود:

(۱) پیشگیری عام: این نوع پیشگیری، جرم مدار بوده و محور آن بر نقش بازدارندگی، ارباب انگیزی و عبرت آموزی کیفری بر عموم مردم استوار است.

(۲) پیشگیری خاص: هدف از این نوع پیشگیری، اصلاح مجرمان و جلوگیری از تکرار جرم است و در قالب اقدام‌هایی برای تربیت، اصلاح و بازسازی مجرمان انجام می‌شود.

- پیشگیری غیر کیفری^۳

این نوع پیشگیری در برگیرنده مجموعه اقدامات و تدابیر غیر کیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت‌های پیش جنایی، از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند (چاله‌چاله، ۱۳۸۷، ۶)

¹ Common Prevention

² Special Prevention

³ Non Penal Prevention

چنانکه پیشگیری وضعی متضمن بر هم زدن فرصت‌ها و وضعیت‌های تحقق جرم است که نهادها، کارکردها یا دیگر منافع مهم عمومی را در برمی‌گیرد و از این نوع پیشگیری به نام پیشگیری وضعیتی یا موقعیتی یا موضعی هم یاد می‌کنند (صفاری، ۲۷، ۱۳۸۰). این نوع پیشگیری، شیوه‌ای از پیشگیری است که با تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری و بزه‌دیدگی یا تغییر شرایط محیطی مانند زمان و مکان، درصدد است از ارتکاب جرم توسط فرد مصمم به انجام آن جلوگیری کند. در این روش، گاهی فرد در معرض بزه‌دیدگی مدنظر قرار گرفته و با حمایت از او یا آنچه در معرض وقوع جرم است، از تحقق عمل مجرمانه جلوگیری می‌شود. در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی اعم از مکان و زمان، امکان تحقق جرم سلب یا وقوع آن دشوارتر می‌شود (رهامی و حیدری، ۱۳۸۴، ۹۷).

در واقع، پیشگیری وضعی با تمرکز بر دو عنصر فرصت و ابزار از طریق ایجاد مانع در دست‌یابی به جرم، درصدد پیشگیری از وقوع آن است؛ بنابراین، پیش‌بینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا مدیریت کردن تقلیل آن را پیشگیری وضعی می‌گویند که گاهی از آن تحت عنوان «مدیریت کردن خطر جرم» نیز نام می‌برند. در این راستا چنانچه بروز علائم و نشانه‌های حاصل شده از تلاش اطلاعاتی نشانگر نزدیکی وقوع بحران در جامعه‌ای باشد دو نقش اساسی توسط عوامل انتظامی صورت می‌پذیرد.

۳-۲-۳ - پیشگیری ایجابی

پیشگیری در این گفتمان استفاده از تاکتیک‌ها و استراتژی‌های سیاسی و غیرسیاسی مؤثر و کارآمدی نظیر: قدرت پاسخگویی به نیازهای مشروع جامعه، کاهش شکاف‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، طبقاتی، توسعه یافتگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، پستوانه و حمایت مردمی، ایجاد مجاری تخلیه اعتراض، تأمین خواسته و... طرف توجه قرار دارند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۱۵-۱۱۶) نقش اصلی در این نوع پیشگیری را دستگاه‌های سیاستگذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌نمایند. (پورسعید، ۱۳۹۲: ۲-۱)

در این گفتمان نهاد‌های تولید انتظام و اقتدار هنگامی به عنوان مؤلفه اساسی برای پیشگیری از بحران‌های اجتماعی مدنظر قرار خواهد گرفت که عهده‌دار یک یا چند بخش از وظایف و کارکردهای مشروع‌ساز قدرت هستند که بخش بزرگی از وظایف حفظ نظم و آرامش و

¹ Situational Prevention

امنیت قابل اتکاء در جامعه را عهده‌ار می‌شوند. بنابراین انتظام ملی ناظر بر توانمندی دولت در سه حوزه اساسی است که عبارتند از:

۱. توان نهادسازی: نظام سیاسی باید بتواند در جهت تأمین نیازهای مشروع جامعه نهادهایی را تأسیس نماید که پاسخگوی آنها باشد.

۲. توان حفظ امنیت: دولت و امنیت از دو بعد دارای ارتباط هستند:

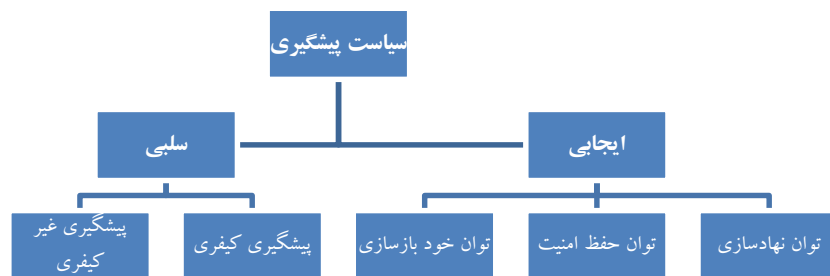
الف) امنیت‌سازی: تولید امنیت و فراهم آوردن فضایی مناسب برای فعالیت (افتخاری،

۱۳۷۹: ۳۳)

ب) امنیت نگهداری: صیانت از امنیت جامعه (دوورژه، ۱۳۷۸: ۲۵۰)

۳. توان خود بازسازی: دولت‌ها و ساختار آنها با توجه به نیازها و مطالبات جدید، در طی

زمان نیاز به اصلاح و تکمیل دارند.



شکل ۱: سیاست و رویکردهای پیشگیری از بحران‌های اجتماعی

بنا به آنچه گفته شد الزامات و بایسته‌های امنیت داخلی را می‌توان به شرح ذیل در نظر

داشت:

نهادهای اقتدارساز امنیت داخلی: رفاه و معاش عمومی، امنیت تجارت و مبادله، امنیت پس‌انداز، امنیت فکری، امنیت مدنی. (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۵: ۸) بنابراین با توجه به مؤلفه انتظام قدرت، نظام سیاسی کنترل نیازها، درخواستها و مطالبات مردمی را در دست گرفته و به شیوه‌ای معقول آنها را پاسخ می‌دهد.

ایجاب‌سازی امنیت داخلی: به این معنا که جامعه‌سازی به سالم‌سازی روابط بین دولت-ملت منجر شده و با تولید رضایتمندی راه آسیب‌های داخلی برای قدرت سیاسی سد می‌شود

(افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۴-۱۹).

نرم‌سازی امنیت داخلی: رابطه متوازن، سالم و رشدیابنده؛ دولت را قادر می‌سازد تا در فضای نرم‌افزاری امنیتی با مردم‌سالاری، بینش علمی و تولیدی و انضباط لازم و توزیع متعادل مسئولیت‌ها و نقش‌ها به اداره امور جامعه پردازد. (عطارزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۰) قدرت سیاسی با نرم‌سازی امنیت عمومی، دغدغه امنیت خود را کاهش می‌دهد و ضرورتی در کاربرد سیاست‌ها و ابزارهای سخت امنیتی احساس نمی‌کند.

اقتدار پویا و امنیت پایدار: اقتدار پویا، به میزان دوام و استمرار حقانیت و مشروعیت آن وابسته است و رضایتمندی، احساس امنیت و پذیرش عمومی، از ویژگی‌های جدانشدنی اقتدار بوده و بر این اساس استمرار آن، مدیون اعتماد و رضایت ملی و نهایتاً اطلاع‌پذیری ملی و وفاداری است (عالم، ۱۳۷۷: ۹۶).

۴ - نهادها و سازمان‌های مسئول پیشگیری از بحران‌های اجتماعی در ایران

۴-۱ - شورای امنیت کشور

براساس ماده ۱ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور به منظور بررسی جریان‌ات و پیش‌آمدهای عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیشگیری و مقابله با مسائل مربوط به آن تشکیل گردیده است. همچنین فلسفه وجودی شورای تأمین نیز، پیشگیری از مشکلات، معضلات و بحران‌های امنیتی و رفع و حل آنهاست. (صمدی، ۱۳۹۴: ۲)

۴-۲ - نیروی انتظامی

طبق ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مأموریت و وظایف نیروی انتظامی، وظایف امنیتی و مقابله‌ای، وظایف ضابطیت قوه قضائیه و وظایف نظامی عمدتاً در حوزه وظایف امنیت عمومی و داخلی بوده که بعدی از تأمین امنیت داخلی در کشور است. بنابراین تأمین نظم و امنیت در بعد مقابله در حوزه تأمین امنیت عمومی از وظایف سلبی پلیس است. (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۵)

۴-۳ - دادگاه انقلاب اسلامی

از جمله نهاد‌های قضایی و امنیتی که از همان سال‌های اولیه پیروزی انقلاب ایران جهت رسیدگی به کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض و توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام و... تأسیس گردید. (زینالی، ۱۳۸۴: ۲۰۴)

۴-۴- سازمان بهزیستی کشور

از اهداف تشکیل این سازمان «تدارک امکانات پیشگیری، درمانی و توانبخشی حرفه‌ای و اجتماعی معلولان جسمی و روانی و تجدید تربیت انحرافات اجتماعی و...» بیان شده است. تشکیل مراکز ویژه برای درمان معتادان، مراکز مداخله در بحران‌های اجتماعی از جمله مراکز نگهداری زنان، در این زمینه از مثال‌های بارز هستند. (زینالی، ۱۳۸۴: ۲۰۶)

۴-۵- سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

زندان به عنوان آخرین ایستگاه نظام عدالت کیفری است. برای «جرم سیاسی» و به طور اخص جرائم دارای جنبه سیاسی - امنیتی نیز که در آن ثبات و امنیت داخلی تخطئه می‌شود مجازات پیش‌بینی شده است. (بلندیان، ۱۳۹۱: ۵۶) سازمان زندان‌ها بنا به طبع کار خود که تماس مستقیم و مستمر با مجرمین را در زمانی محدود بر عهده دارد در حوزه فعالیت‌های مستقیم و یا غیر مستقیم در پیشگیری از وقوع یا تکرار جرم ایفای نقش می‌کند. (اسدی-غلامی، ۱۳۸۴: ۱۱)

۴-۶- شورای اجتماعی کشور

این شورا با هدف ارتقای سلامت، سرمایه، رضایت، نشاط و عدالت اجتماعی، نظم و احساس امنیت؛ پیشگیری، مدیریت، کنترل، کاهش و حذف معضلات و آسیب‌های اجتماعی؛ هم‌افزایی، هماهنگی، انسجام‌بخشی، تمرکز و بسیج ظرفیت‌ها و توانمندی‌های قوای سه‌گانه و نهادهای تحت نظر مقام معظم رهبری (با اذن معظم‌له) و ... به تصویب رسید. در رویکرد این شورا می‌توان به مواجهه ریشه‌ای و پیشگیرانه با آسیب‌های اجتماعی به همراه شناخت عمیق و همه‌جانبه علل و عوامل شکل دهنده، مقوم و تشدیدکننده آن؛ رشد مشارکت مردم در ارتقای سلامت و سرمایه اجتماعی و مقابله با آسیب‌های اجتماعی و ... اشاره کرد. (<https://sccr.ir>)

۴-۷- شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی

در اجرای اصل بیست و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین بندهای ۲ و ۴ اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در جهت ایجاد انسجام کلان سیاست‌های رفاهی که به منظور توسعه عدالت اجتماعی و حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیامدهای آن، نظام تأمین اجتماعی با رعایت

شرایط و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی ۱۳۸۳/۲/۲۱ تصویب شد.
(<https://rkj.mcls.gov.ir>)

۵ - روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی از نظر داده‌ها ترکیبی است که از تکنیک دلفی جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. دلفی از مشهورترین روش‌های کیفی دستیابی به دیدگاه‌ها توسط طراحان و متخصصان است. (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۱۰۳) که از ابزارهای کمی نیز برای قانونمند کردن قضاوت‌های کارشناسی استفاده می‌کند. (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۳۸۹) بنابراین، روش‌های کمی و کیفی به تنهایی قادر به کسب شناخت و درک شرایط در سطح و عمق نبوده و رویکرد پژوهش ترکیبی می‌تواند به این مهم یاری رساند.

جامعه آماری این تحقیق را تعداد ۲۵ نفر از صاحب‌نظران، مدیران و کارشناسان متخصص در رشته‌های علوم سیاسی، مدیریت، علوم انتظامی و امنیتی تشکیل می‌دهند که به دلیل عدم شناسایی و دسترسی محقق به متخصصین با کیفیت، از روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای (گلوله برفی) بهره گرفته شده است. اگرچه از ابتدا قصد بر این بود که تعداد نمونه بیشتر باشد اما در حین انجام کار، این نتیجه دست داد که افزایش تعداد افراد، دانسته جدیدی را اضافه نمی‌نماید، لذا به استناد اصل اشباع داده به تعداد مذکور اکتفا شد.

روش تحلیل نیز برای موضوعاتی که توسط پرسشنامه آغازین فاقد ساختار گردآوری شده، از فنون تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود. این پرسشنامه، در مرحله بعدی به یک پرسش‌نامه دارای ساختار تبدیل می‌شود که اساس دور دوم را تشکیل می‌دهد. اطلاعات دور دوم که ماهیت کمی دارند، با استفاده از فنون رتبه‌بندی و درجه‌بندی تحلیل می‌شوند. (پاشایی‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۰)

بدین ترتیب در دور نخست پرسشنامه این پژوهش، دیدگاه خبرگان در خصوص سوال باز «سیاست و راهبردهای بهینه پیشگیری از بحران‌های اجتماعی در شهر تهران» مورد پرسش قرار گرفت که مؤلفه‌های به دست آمده با نظر اساتید و خبرگان تعدیل و اصلاح گردید که

¹ - Chine-referral

² - Snowball Sampling

ماحصل این کار مؤلفه‌هایی است که به شرح جدول ۲ احصاء شدند و در دور دوم از خبرگان شرکت کننده درخواست شد میزان تأثیر و اهمیت هر یک از مؤلفه‌های به دست آمده را ارزیابی نمایند.

بنابراین روایی آن توسط گروه خبره و برای سنجش پایایی یا قابلیت اعتماد، ثبات و سازگاری پرسشنامه، از مهمترین شاخص سازگاری درونی یعنی آزمون آلفای کرونباخ که مناسب برای پرسشنامه‌ای است که به صورت طیف لیکرت طراحی شده استفاده شده و ضریب به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS22 (۰/۷۸۲) را نشان می‌دهد که در مجموع پرسشنامه از انسجام درونی مناسب و اعتمادپذیری بالایی برخوردار است.

۶ - یافته‌ها

۶-۱ - یافته‌های توصیفی

در این قسمت به بافت جمعیت‌شناختی جامعه آماری مورد نظر پرداخته شده است.

جدول ۱ - بافت جمعیت‌شناختی شرکت کنندگان

جنسیت	تعداد	درصد فراوانی	سن	تعداد	درصد فراوانی	رتبه علمی	تعداد	درصد فراوانی
مرد	۲۱	٪۸۴	۵۰-۴۱	۱۷	٪۶۸	استادیار	۲۱	٪۸۴
زن	۴	٪۱۶	۶۰-۵۱	۶	٪۲۴	دانشیار	۳	٪۱۲
			۶۱ و بالاتر	۲	٪۸	استاد	۱	٪۴
کل	۲۵	٪۱۰۰	کل	۲۵	٪۱۰۰	کل	۲۵	٪۱۰۰

۶-۲ - یافته‌های استنباطی

پس از فرایند انتخاب کارشناسان در دور نخست پرسشنامه باز توزیع شد. آنچه که مشخص است پاسخ‌ها تشریحی و بازند و برای تعیین موضوعاتی که توسط پرسشنامه آغازین فاقد ساختار گردآوری شده است، معمولاً از فنون تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود. بنابراین شاخص‌های عمومی پرسشنامه دور اول با کارشناسان و استفاده از مبانی نظری به تعداد ۳۴ مفهوم احصاء و به یک پرسشنامه دارای ساختار تبدیل گردید که اساس دور دوم را تشکیل داد. در این مرحله با استفاده از آزمون فریدمن به دنبال این هستیم تا ببینیم کدام یک راهبردها بیشترین تأثیر و اهمیت را خواهند داشت.

جدول ۲ - رتبه‌بندی راهبردهای بهینه در پیشگیری از بحران‌های اجتماعی

میانگین رتبه	مفهوم (راهبرد)	زیرمقوله	مقوله
۴/۷۶	ایجاد اشتغال کامل در کشور	نهادهای اقتدارساز	۴/۱۳
۴/۵	تقویت روحیه قانون‌پذیری به عنوان عامل وحدت بخش در جامعه		
۴/۴۶	شناسایی گروه‌های کم‌طاقت‌تر جامعه و اقدامات روحی، روانی، رفاهی و ... برای آنها		
۳/۸۴	پایبندی به حقوق شهروندی و آزادی‌های اساسی مردم		
۳/۷۰	ارتقاء احساس تعلق خاطر جمعی		
۳/۷۰	حمایت اساسی از تولید داخلی		
۳/۰۴	امنیت فضای کسب و کار داخلی		
۷/۳۴	عدالت اقتصادی - اجتماعی و تفوق بر رکود و معیشت مردم		
۶/۲۶	ایجاد سیستم‌های نظارتی قوی بمنظور شناسایی نارضایتی‌های عمومی		
۵/۲۵	تعامل و گفتگو میان دولت و جامعه		
۴/۷۲	بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها در مدیریت بحران‌ها		
۴/۷۲	اجازه اعتراضات اجتماعی در چارچوب قانون		
۴/۶۴	خروج از تبعیض‌های ساختاری، ایدئولوژیک و رانتی		
۴/۲۴	پرهیز از شیوه‌های سنتی مدیریت بحران‌ها		
۳/۹۶	پذیرش خرد جمعی، نقد کارشناسی و تمکین به حقوق ملت		
۳/۸۴	باز تعریف نقش جامعه و نهادهای غیردولتی در آن		
۵/۱۶	ایجاد سیستمها و سازمانهای تأمین برای آحاد جامعه	اعتماد و رضایتمندی عمومی	۳/۸۹
۴/۷۴	سلامت قضایی در مبارزه با فساد اقتصادی و اداری		
۴/۰۴	مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی به مطالبات عمومی		
۳/۷	تحقق اعتماد در پی شفاف‌سازی همچون برگزاری علنی دادگاهها		
۳/۷	پذیرش رقابت سالم سیاسی		
۳/۵۸	گردش نخبگان و شایسته‌سالاری		
۳/۰۸	ساده‌زیستی مسئولان		
۴/۱۴	مدیریت رسانه و شبکه‌های اجتماعی		

میانگین رتبه	مفهوم (راهبرد)	زیرمقاله	مقاله
۳/۸	برنامه‌ریزی در جهت اوقات فراغت جامعه	نرم سازی	
۳/۰۸	تعیین سیاست فرهنگی با رعایت حریم خصوصی و عدم تحمیل الگوها	امنیت	
۲/۰۲	مدیریت فعالیت‌ها و اظهار نظرهای نخبگان اجتماعی و سیاسی	داخلی	
۱/۹۶	جلوگیری از سیاه‌نمایی در داخل کشور	۳/۸	
۲/۴۲	تقویت رویه‌های قضایی در پیشگیری از جرائم امنیتی	آمادگی و	پیشگیری سلی ۳/۳۴
۲/۰۲	آمادگی دستگاه‌های مسئول برای مقابله با شرایط بحرانی	ارتقا	
۱/۵۶	آموزش نیروهای مقابله کننده با شورشگران	توانمندی	
۲/۳۶	مبارزه با آسیب‌های اجتماعی به عنوان بستر بحران‌های اجتماعی	۳/۶۴	
۱/۸۴	اقدام متناسب نیروهای امنیتی و انتظامی در مواجهه با آشوبگران	مقابله و جلوگیری	
		از	
۱/۸۰	برخورد به موقع و سریع با عوامل نارضایتی ساز در جامعه	اوج گیری ۳/۰۵	

نتایج این آزمون نشان می‌دهد با توجه به این که سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس فریدمن کوچکتر از میزان خطاست ($\text{sig} = ۰/۰۰۵$) در نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که بین سیاست‌های و راهبردهای پیشگیری تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین برخی راهبردها نسبت به برخی دیگر از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار هستند. به طور کلی می‌توان گفت راهبردهای بهینه ارائه شده از یک سو در جهت رهاسازی و مهار انرژی‌های اجتماعی از طریق سازماندهی مناسب نیروهای جامعه ارائه شده‌اند. چرا که کارآمدی در تأمین نیازهای اساسی و پاسخگویی به مطالبات گروه‌های سیاسی و اجتماعی را می‌توان فرآیند وابسته به مکانیسم‌هایی دانست که انرژی‌های گروهی جامعه را هدایت و به فعالیت‌ها و اقدامات جدید و ارزنده همچون حمایت و وفاداری از دولت تبدیل می‌کند. در واقع موفقیت در سیاست‌های اجرایی و اقتصادی دولت، حفظ کیفیت زندگی گروه‌های کم درآمد، به قابلیت و توانایی کارگزاران شایسته و ایفای بهینه کارویژه‌های دولت برداشت می‌شود که در صورت استمرار کسب حداکثر رضایتمندی مردم، احساس امنیت و پذیرش عمومی، و نهایتاً اطلاعات‌پذیری ملی و وفاداری را به دنبال دارد.

از سوی دیگر، راهبردها به نقش آمادگی مقابله و برخورد‌های سلبی در کنترل بحران‌ها برای حفظ امنیت عمومی بسیار جدی و مهم است و در وجه پیشگیرانه آن دخالت پلیس و دستگاه عدالت کیفری ضروری می‌باشد. البته به دلیل پیچیدگی و چندبعدی بودن پدیده پیشگیری به عنوان وجهی از تأمین امنیت، علاوه بر دستگاه‌های قضایی و انتظامی که بیشترین تعامل مستقیم را با بحران‌های اجتماعی دارند، سایر دستگاه‌های دولتی نیز با آن مرتبط هستند.

نتیجه‌گیری

بحران‌ها در زمینه‌های بسیار متفاوتی بروز می‌نمایند. در بسیاری موارد بحران‌هایی بروز می‌کند که بیش از هر چیز به پاسخ‌های دولتی نیاز دارد و ممکن است یک مسئله نظیر ناکامی در دستیابی به اهداف، عدم دریافت پاسخ مناسب از سوی مراجع پاسخگو، به وجود آمدن فاصله نامطلوب بین انتظارات مشروع افراد و ... منجر به بروز بحران‌های اجتماعی گردد که با بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و یا استفاده از ابزارهای خشونت‌زا وارد مرحله‌ای می‌شوند که در آن مداخله نهادها و سازمان‌های امنیتی به عنوان امری پذیرفته شده تبدیل می‌گردد. این وضعیت مدیران امنیتی را به اقتضای ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی و جهت اعاده نظم و امنیت عمومی به سمت تشدید اعمال قوانین کیفری و تقویت کارکردهای پلیسی-امنیتی می‌کشاند.

حال آنکه نگاه مجرد به بحران‌های اجتماعی فارغ از ماهیت بحران و اتخاذ رویکرد صرف سیاسی و امنیتی و گره زدن آن به سرنوشت نظام سیاسی موجود شیوه درست و صحیحی در مدیریت آن‌ها به نظر نمی‌رسد. چنانکه نگاهی به نهادهای مسئول مدیریت بحران‌های اجتماعی در ایران نشان داد نگاه امنیتی، سیاسی و قضایی به مسایل و مشکلات اجتماعی موجب گردیده تا مسئولیت مهار و کنترل آن‌ها به نهادهای واگذار گردد که بیشتر به حوزه سیاست‌های اجتماعی، نابهنجاری‌های اجتماعی و پیشگیری از جرایم، مربوط می‌گردد و وجه غالب سیاست‌های آنها بیشتر ناظر به بعد از بروز بحران است و در نتیجه اقداماتی که به منظور مدیریت بحران‌های اجتماعی به عمل می‌آید، عمدتاً اقدامات سلبی و مقابله‌ای در کاهش جرایم و نابهنجاری‌های اجتماعی بوده که نسبت به سایر ابعاد ایجابی از قبیل پیشگیری، ارائه خدمات اجتماعی، رعایت حقوق شهروندی و... تفوق و برتری دارد.

این در حالی است که راهبردهایی نظیر تأمین نیازهای اولیه جامعه در حوزه‌های گوناگون غیرامنیتی، خود به خود بخشی از نیازهای امنیتی جامعه را برطرف می‌سازد و نه تنها کیفیت

زندگی اجتماعی را ارتقاء می‌دهد بلکه دلایل و انگیزه‌های اخلاقی لازم را برای همکاری و اطاعت از جانب تابعان قدرت فراهم می‌سازد و زمینه مناسبی برای موفقیت دولت‌ها در پیشگیری از بحران‌های اجتماعی را به وجود می‌آورد.

بنابراین دولت به عنوان نماینده قانونی ملت و جامعه می‌بایست مسئولیت پیشگیری از بحران‌های اجتماعی را در قالب وظایف قانونی اعم از ایجابی و سلبی به نهادها و سازمان‌های مختلف بسپارد. این روند وجود یک نهادی که به مسئله‌شناسی، تجمیع و اولویت‌بندی مسائل پردازد و درباره تصمیم‌گیری اینکه چه قسمتی از مسئله و از کجا باید حل شود، ضروری جلوه می‌دهد.

منابع و مآخذ:

- ابطحی، حسین؛ یاوری بافقی، امیر حسین؛ اسماعیلی، احمد رضا، (۱۳۹۰)، «طراحی مدل پیش‌نگری بحران‌های اجتماعی به منظور پیشگیری از آنها توسط ناجا»، **پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی**، شماره چهارم، سال چهارم، صص ۳۴-۱.
- آریاپور، محسن، (۱۳۸۴)، «اغتشاشات و بحران‌های شهری؛ دیدگاه‌ها و نظرات»، **فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک**، شماره ۲۲، ۱۱۸-۷۹.
- اسدی غلامی، نصرالله، (۱۳۸۴)، «نقش سازمان زندان‌ها در پیشگیری از وقوع جرم»، **ماهنامه ا صلاح و تربیت**، شماره ۱۱، دوره قدیم، ۱۳-۱۱.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۷۹)، **انتظام ملی**، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۸)، «ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی**، شماره ۱۸، ۴۲-۱۱.
- افتخاری، اصغر؛ مرادیان، محسن؛ کریمانی، علی اعظم، (۱۳۸۹)، «الگوی راهبردی تأمین امنیت اجتماعی در نیروی انتظامی»، **فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک**، شماره ۳۹، ۱۰۸-۸۱.
- التقی پور، رسول؛ بهرامی، تورج، (۱۳۹۵)، **مدیریت بحران (با رویکرد: طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و امنیت اجتماعی)**، تهران، انتشارات آراد.
- امیری، عبدالرضا، (۱۳۹۱) «مطالعه فرایند و متغیرهای مؤثر بر امنیت شدن بحران‌های اجتماعی در ایران»، **فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی**، سال هفتم، شماره دوم، ۲۳۷-۲۱۹.
- آیین‌نامه «شورای اجتماعی کشور»، (بی‌تا)، بازیابی شده از <https://sccr.ir/pro/2099>
- برون، مایکل، (۱۳۸۰)، **عامل و وقوع درگیری‌های داخلی**، ترجمه دوره عالی جنگ سپاه، تهران: انتشارات مؤسسه اندیشه‌ی‌تاب.
- بلندبان، غلامحسین، (۱۳۹۱)، **جامعه‌شناسی امنیت داخلی**، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- پاشایی‌زاده، حسن، (۱۳۸۶)، نگاهی اجمالی به روش دلفی، **پیک نوز**، دوره ششم، شماره دوم.
- پورسعید، فرزاد، (۱۳۹۲)، **فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تابی، حمید؛ کریمی‌افشار، سمانه؛ اشرف‌زاده، الهام، (۱۳۹۱)، «بررسی مدل‌های مدیریت بحران در رمان‌ها»، **نشریه ادبیات پایداری**، شماره ۵ و ۶، ۱۰۴-۷۷.
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۹)، **مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران**، تهران: فرهنگ گفتمان.
- چاله چاله، فرشید، (۱۳۸۷)، اصول و مبانی پیشگیری از جرم، **مجله دادرسی**، شماره ۶۸، ۱۰-۴.
- حسینی، حسین؛ جدی، سیدمجید، (۱۳۸۵)، **مدیریت بحران با رویکرد امنیت عمومی**، جلد اول، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- دانشگاه عالی دفاع ملی، (۱۳۸۷)، **نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دلاورپورآقدم، مصطفی، (۱۳۸۹)، **امنیت نرم و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دوورژه، موریس، (۱۳۷۸)، **اصول علم سیاست**، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: نشر دادگستر.
- رضوی‌نژاد، سیدامین؛ ملک‌محمدی، حمیدرضا، (۱۳۹۷)، «درآمدی تحلیلی بر مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲، ۲۹۶-۲۸۰.
- رهامی، محسن؛ حیدری، علیراد، (۱۳۸۴)، چالش‌های فراروی سیاست جنایی در قبال جرائم بدون بزه دیده، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، شماره ۷۰.
- زمانی، علی‌اکبر، (۱۳۹۲)، **مدل سنجش شاخص‌های امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات داغا.
- زینالی، امیرحمزه، (۱۳۸۴)، «جایگاه سازمان‌های دولتی مسئول بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی در ایران»، **فصلنامه راه اجتماعی**، شمار ۱۶، ۲۱۸-۱۸۵.
- سلیمی، اکبر، (۱۳۹۳)، «شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت بحران‌های اجتماعی و ارائه الگوی».
- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۳)، دلفای کیفی، ابزار پژوهش در علوم اجتماعی، **فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)**، دوره ۲، شماره ۴.
- سلیمی، اکبر، (۱۳۹۳)، «تبیین علل پدیده ناآرامی‌های شهری در کشورهای در حال گذار»، **فصلنامه دانش انتظامی خراسان رضوی**، دوره ششم، شماره ۲۴، ۱۵۲-۱۳۵.
- شعبانی، ناصر، (۱۳۸۵)، **توسعه و پدافند بارویکرد انتظامی**، تهران: معاونت آموزش دانشگاه علوم انتظامی.
- صالح‌نیا، علی؛ بختیاری، حسین، (۱۳۹۷)، «اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۸، شماره ۲۷، ۲۷۷-۲۵۵.
- صفاری، امیر، ساسان‌پور، فرزانه، موسی‌وند، جعفر، (۱۳۹۰)، ارزیابی آسیب‌پذیری مناطق شهری در برابر خطر سیل با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و منطق فازی (مطالعه موردی: منطقه ۳ تهران)، **نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، شماره ۲۰.
- صمدی، فخرالدین، (۱۳۹۴)، جایگاه شورای امنیت کشور، شوراها و فرعی (شورای تأمین استان و شهرستان) و ماهیت مصوبات آنان، **اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی**.

- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۷)، **بنیادهای علم سیاست**، تهران: نشر نی.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۰)، **فنون پیش‌بینی**، تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
- عصاریان‌زاد، حسین، (۱۳۸۵)، **نظم و امنیت داخلی**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عطارزاده، مجتبی، (۱۳۷۷)، «دولت، جامعه مدنی و امنیت در جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۲، ۹۵-۱۲۸.
- عظیمی دولت‌آبادی، امیر، (۱۳۸۷)، **منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عظیمیان، قدرت‌اله، (۱۳۸۹)، «راهبردهای مناسب برای مدیریت بحران‌های ناشی از تهدیدات اجتماعی»، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۷۲-۱۳۷.
- قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، (بی‌تا)، بازیابی شده از <https://rkj.mcls.gov.ir/fa/moghararaat/ghavanin/ghanoonrefah>
- کریمائی، علی‌اعظم، (۱۳۸۹)، **انضباط ملی و امنیت اجتماعی**، تهران: انتشارات انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- کریمی‌خوزانی، علی؛ عزیزآبادی‌فراهانی، فاطمه؛ غفاری، غلامرضا؛ صالحی‌امیری، سیدرضا، (۱۳۹۶)، «ارائه الگوی مطلوب اخلاق‌مداری پلیس در مواجهه با بحران‌های اجتماعی (ازدحامات، اغتشاشات و اعتراضات خیابانی)»، **پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی**، سال دهم، شماره چهارم (پیاپی چهارم)، صص ۲۶-۱.
- محمدی، ایوب؛ یآوری، امیرحسین؛ جوانمرد، محمد، (۱۳۹۶)، «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد بحران‌های اجتماعی»، **فصلنامه دانش انتظامی**، سال نوزدهم، شماره ۱، ۲۳-۱.
- مرادی، حجت‌اله؛ خلیج‌زاده، محسن، (۱۳۹۵)، «عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیدایش بحران‌های امنیتی در مناطق حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: اسلام‌آباد کرج)»، **فصلنامه مدیریت بحران**، سال هشتم، شماره ۳۰، ۱۷۶-۱۴۳.
- منظمی‌تبار، جواد، (۱۳۸۴)، **مبارزه با جرائم اجتماعی**، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- نکویی، محمد؛ سهرابی، محمد، (۱۳۸۶)، ارزش‌های پیشگیری سیستمی در مدیریت بحران‌های امنیتی، **فصلنامه تگرش راهبردی**، شماره ۸۵ و ۸۶، ۶۴-۴۹.
- وهابی، فرجام، (۱۳۹۵)، **امنیت عمومی و مدیریت بحران**، تهران: انتشارات موجک.
- کاربرد انتظامی، «فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی»، سال نهم، شماره سوم، صص ۴۱۳-۳۹۴.
- منابع انگلیسی**
- Batdorf, J. W. (2008). *The End of Strife: Nature's Laws Applied to Incomes*, Broadway Publishing Company, 1911.